

Con furia. [fou - ria].	کون فوریا. با هیجان، با تندی: بی پروا، سرکش.
Con furore. [fou - ro - re].	کون فوره رُو. با خشم، با غضب: با احساس شدید و تند.
Con la parte. [la - par - te].	کون لا پارتہ. هرمراه با بخش اصلی، همراه با قسمت اصلی.
Con l'arco. [/l'ar - co].	کون لارکو. با آرشه، با کمان.
Con la replica. [la - ré - pli - ca].	کون لا رپلیکا. با برگشت، توسط برگشت، همراه برگشت.
Con la voce.	کون لاوچہ. صدا (آواز) را دنبال کنید، دنبال کردن صدا، تعقیب صدا.
Con grabatezza.	کون گاراباتزا. (نگاه کنید به Con garbo).
Con garbo.	کون گاربو. با زیبایی، با ظرافت: با لطف: به سبکی، به روانی.
Con gentilezza.	کون جنتی لترزا. با علوفت و زیبایی، ساده و با ملاحظت، با لطف.
Con gioja.	کون گیوخا. با شادی، با شعف.
Con giustezza.	کون جوستزرا. با درستی، با صحت. منظور اجرای درست نتها است به طریقی که از جهت (انتوناسیون) کم و زیاد تباشد.
Con gli, cogli.	کون گلی، کوگلی. با آنها، با آن.
Con gradazione.	کون گرادازیونه. با وقار، با سنگینی و اهمیت: به طریقی سنگین و با وقار و مجلل و با شکوه.
Con gravezza.	کون گراویتزا. با سنگینی و با وقار. به طریقی با شکوه و جلال و با وقار و سنگینی بسیار.
Con gravita.	کون گراویتا. (نگاه کنید به Con gravezza).
Con grazia. [gra - tsia].	کون گرازیا. با لطف، با ظرافت. به گونه‌ای ظریف و لطیف و با ملاحظت.

Robustezza. [ro - bou - sté - tsa].

پیوسته ترا.
مندی، توانایی: شهامت. شهرت.

Robusto. [ro - bou - sto].

پیوسته، پر قوه، قوی: شدید، سخت. محکم، پر رنگ.

Roco, ca.

لخت خشن، مردانه: گرفتگی صدا.

Rohr. (All).

لوله، لوله هر سازی یا لوله های اورگ.

Rohrwerk. (All).

لعله های صدا دهنده ای اورگ که وصل است به لوله ها.

Rollando.

غلتاندن: گردانده، گرداندن. ۱. هنگامی که صحبت از تیم پانی ها Timbales یا طبل کوچک Tambour در میان آید به این لغت بر می خوریم، به این معنی که ایجاد صدای مداوم و پیوسته در این دو ساز ضربی و بسیاری دیگر از سازهای ضربی، وابسته به این است که نوازنده با دو دست یا دو چک (چوب های مخصوص این سازها) ضربه های مداوم سریع و پیوسته ای روی ساز اجرا کند، سرعت این ضربه ها آن قدر زیاد است که در نتیجه صدای حاصله مداوم و گردنده می شود.

Rollo.

صدای پیوسته و متناوب روی سازهای ضربی. به حرکتی که سبب این نوع صدا دهنده می گردد roulement می گویند، یعنی همان ضربه های سریع و پیوسته و مداوم با دو دست.

Romanesca. [ro - ma - nés - ca].

خط ملدیک در موومان یا حرکتی معتدل و ملایم، به عبارت دیگر می توان گفت نغمه ای با حرکتی سلامی و میانه رو عیناً مثل Romance رومانس.

Romanza. [ro - man - tza].

ترمانس. لغت اسپانیایی و مذکور، به معنی: منظومه کوتاه یا شعر کوتاه. ۱. قطعه ایلاری کوتاه و چنین متداول و معمول شده که همیشه با آکومپانیمان باشد و خود از ساختار، یا در سبکی که دارد حد فاصلی است بین ترانه های عامیانه و ملدی های عالمانه و دانشمندانه که از جهت تاریخی بعدها پدیدار گردید. رومانس نوعی سهولت خاص در انتخاب موضوع را به سازنده و انسان کننده می دهد همان طور که بهره برداری احساساتی را در تصویر و ترکیب موسیقایی. ۲. کلمه رومانس در معنی معمول و متداول تداعی کننده یا به صورت طعنه آمیز معرف، ترانه عامیانه حساساتی و آسان و ساده است.

Romanze. (All).

ترمانس. Romence رومانس.

Romanzen. (All).

ترمومانس. Des Romances رومانس ها

Lebhafter. (All).

لِبْ هافْ تیر. *Più Allegro, Più vivo*, فرزتر، چابکتر، با روح‌تر، جاندارتر. ایتالیایی‌ها می‌گویند *Più Presto, Animato* (نگاه کنید به تمام این اصطلاحات).

Lebhaftigkeit. (All).

لِبْ هافت تیگ کایت.

Leg.

چالاکی، شدت، حدت.
لِگ.

حروف اختصاری **Legato**. (نگاه کنید به این لغت).

Legando. [Le - ga - ndo].

لِه جاندو.

(برآمده از فعل ایتالیایی *Legare* بستن) ضمن پیوستن صداها به یکدیگر، پیوستن نتها به هم
وصل کردن صداها یا نتها به یکدیگر. معرف اجرایی است متصل و به هم پیوسته.

Legare.

لِه گاره.

بستن، متصل کردن: صداها را به هم بستن و متصل کردن.

Legatissimo. [le - ga - tis - si - mo].

لِه گاتیس سیمو.

اسم تفصیلی **Legato**. خیلی متصل، خیلی به هم بسته: بسیار پیوسته، بسیار پشت سر هم.
لِه گاتو.

پیوسته، متصل، متعدد، متصل: به هم بسته شده، سیال، روان. معرف اجرایی است پیوسته و متصل و ثابت
۱. این لغت در کاربرد فرانسه شده و مثل اسم موصوف به کار می‌رود می‌گویند *Légiato* ۲. لگاتو

(*Légato* نوازنده‌ای متصل و به هم پیوسته) یکی از انواع طرق نوازنده‌ای است در سازهای سیمی
آرشه‌ای به این وجه که مجموعه‌ای از نتها را در یک آرشه یا یک ضربه آرشه (خواه آرشه راست یا
چپ) متصل و پیوسته به یکدیگر می‌نوازند. به عنوان علامت اختصاری *Legato* می‌نویسند *Leg*

Legatura. [le - ga - tou - raj].

لِه گاتورا.

اتصال، پیوستگی، ربط: بستن، بستگی: چسبیدگی، اتصال صداها به هم پیوسته و به هم پیوسته
Leggenda. [le - dgen - da].

لِه دِجِندا.

افسانه، داستان، حکایت: داستان کوچک، قصه کوتاه.

Leggeramente.

لِه دِجِرامِنْتِه.

به سبکی، به ظرفات، به نرمی.

Leggeranza.

لِه دِجِراندرا.

(نگاه کنید به *Leggerzza*).

Leggerezza. [lé - dgé - ré - tsa].

لِه دِجِرتزا.

(*Con leggerezza*) سبکی، چابکی، نرمی: ظرفی و بالاخت. (نگاه کنید به *Leggeramente*).

Leggermente.

لِه دِجِرمِنْتِه.

(نگاه کنید به *Leggeramente*).

Leggerissimo. [Lé - dgé - ris - si - mo].

لِه دِجِه ریس سیمو.

خیلی سبک، خیلی ظرفی، خیلی نرم.

Valore.

ارزش، اعتبار: جسارت، تهور: جرأة. ارزش نت‌ها و سکوت‌هایی که به وسیله با اشکال مختلف تثبیت شده معرفی می‌شوند.

وال زا - وال تر.

Valza یا **Waltzer.**

والس *valse*. نوعی رقص. رقصی در سه ضرب که محبوبیت عام و شخصیتش در قرن نوزدهم کلیه رقص‌های دیگر را تحت تأثیر گرفت و آنها را به فراموشی سپرد. منشاء و اصل و ریشه‌ی والس چندان روش نیست، اما حدس می‌زند که آلمانی باشد و نامگذاری اش از لغت (*Waltzen* والتر) می‌آید که بعد معادل آلمانی اش (*Waltz* والتر) و آن‌گاه به (*Waltzer* والترز) بدل گشت. همین لغت در لاتین *Volvere* گفته می‌شود که معنی اش به دور خود چرخیدن است. کلمه *Waltz* والتر در آلمان قبیل از آن که به رقصی دایره‌ای و دورانی اطلاق شود، به کار می‌رفته و معمول بوده است. هنگامی که *Waltz* والتر بین سالهای ۱۷۶۵ تا ۱۷۷۰ در باویر *Baviere* ظهرور کرد گمان می‌رود هنوز اختصاص داشت به (*Landler*) اطریشی و رقص‌های قدیمی آلمانی در سه ضرب که موذارت به بهترین وجه در آثارش معرفی و منعکس کرده است. «اینجا و قبل از ادامه‌ی کلام باید توضیح دهیم *Landler* لندلر، یا *Lander* لندر، رقصی است عامیانه متعلق به آلمان و اطریش در سه ضرب که غالباً خوانده می‌شود، اگر بخواهیم بهتر بگوییم: آوازی است و بسیار نزدیک است به والس. هایدن، موذارت، وبر، شوبرت و بتهوون در آثارشان از این فرم رقص عامیانه استفاده کرده‌اند». *Waltz* والتر به جهت شخصیت عامیانه‌اش رو در رو و مقابل منوئه *Menuet* اشرافی قرار گرفت و نسل بعد از انقلاب کبیر فرانسه پیروزی خود را با شادی گیج کننده و سرسام آور والس هم آمیخت، چه این رقص تمامی طبقات اجتماعی را در هم می‌آمیخت و تفاوت طبقاتی را از میان می‌برد. موذارت، بتهوون، شوبرت و مدتی بعد برآمس قطعات کوچک و زیبایی در این سبک ساده ظریف و شاد و دموکراتیک تصنیف کردن، و باید گفت که اینان در آثارشان به طور اخص والس آلمانی را معرفی و تصویر نمودند، اما کم‌کم و به خصوص در وین این رقص نرمنtro و درخشان تر گذشته شد آن هم با اکسان یا تائیدی که روی ضرب اول اعمال شد که ضرب اول را به خوبی مشخص می‌کرد و نشان می‌داد، از اینجا بود که والس شخصیت اصلی خود را پیدا کرد و البتہ این امر را پطه‌ی مستقیم داشت با شاهکارهای فناپذیر یوهان اشتروس *Strauss* لپدر و سواد اشتروس پسر. به زبان دیگر شاهکارهای این پدر و پسر والس را تثبیت کرد. به عنوان اولین نمونه قابل تحسین این والس گردان و چرخنده می‌باشد از قطعه‌ی «دعوت به رقص *Invitation a la Danse*» اثر و برنام ببریم که نخست برای پیانو تصنیف شد و بعد توسط هکتور برلیوز به طریق *Danse* شکوهی ارکستر گردید و برای ارکستر نوشته شد. جذابیت این رقص که از حدود سال ۱۸۲۵ یک تخصص وینی‌ها شده بود تقریباً تمامی آهنگسازان رومانتیک و پیست رومانتیک (بعد از رومانتیک) را تحت تأثیر قرار داد و این چنین بود که: بتهوون، شوبرت، وبر، شوپن، لیست، اسماعیل و گابریل فوره، والس‌هایی برای پیانو تصنیف نمودند. آنگاه آهنگسازان دیگری چون هکتور برلیوز، چایکفسکی و به خصوص یوهان اشتروس، والس‌هایی برای ارکستر نوشتند و بعد از مدتی آن سیبلیوس، کامیل سن سانس و ریچارد اشتروس دست به تصنیف والس برای ارکستر زدند، ایلان